

پاکستان بايد بجرم مخفی کردن بن لادن مورد تعزیرات جامعه جهانی قرارگیرد!

یکی از جامع ترین تعریف های که تا کنون من در باره پاکستان خوانده ام، تعریفی است که آقای بارز از قول خانم البرایت از این کشور بدست میدهد.

خانم البرایت (سابق وزیر خارجه آمریکا) باری گفته بود: "پاکستان تمام صفات ناپسندی را که موجب پریشانی خاطر و سردرگمی سایر کشورهای آزادیخواه و صلح پسند جهان شود، داراست. از جمله این کشور سلاح اتمی دارد، تروریسم را می پروراند، تندروان زیادی را در تار و پود جامعه خود تربیت نموده است، دولت فاسدی در آنکشور حکمفرماست و به عنوان مرض درد سرساز بین المللی است." (افغان جرمن آنلاين، مقاله آقای بارز، ۱۱/۴/۲۱)

بارک اوباما رئیس جمهور آمریکا، نیز بمناسبت دستگیری یک تروریست پاکستانی در نیویارک، پاکستان را به یک **غده سرطانی** در بدنه جهان تشبیه کرده بود. از اینرو پاکستان مایه نگرانی بزرگ برای منطقه و آمریکا و سرا سر جهان است.

دلایل و شواهد فراوانی موجود است که ثابت میکند پاکستان و سازمان استخبارات نظامی آن، حامی تروریسم در منطقه و برای جامعه جهانی نیز درد سرساز است. حادثه بمب گذاری یک تروریست پاکستانی در میدان تایمز نیویارک، و بر عهده گرفتن مسؤلیت آن توسط طالبان پاکستانی، زنگ خطر وقوع فاجعه ۱۱ سپتامبر دیگری، را در ذهن مردم آمریکا تداعی کرد و خطر تکرار آن برای مدتی خواب را از چشم مردم آمریکا ربود.

آن حادثه نه فقط ثابت کرد که پاکستان پرورشگاه اصلی تروریسم و کانون صدور آن به دیگر نقاط جهان است، بلکه همچنان نشان داد که پدیده شوم تروریسم در این کشور روز بروز در حال طغیان و صدمه زدن به منافع ملت های صلح دوست در دورترین نقاط جهان هست. این پدیده را که اکنون با عملیات های انتحاری همراه شده است باید بحیث یک خطر جدی برای صلح و بقای جهان متمدن تلقی کرد. بنابراین با نظر داشت کشف محل اختفای بن لادن در آغوش پر محبت آی اس ای در یک مجتمع نظامی در ایبیت آباد پاکستان و سپس از میان بردن وی بوسیله کماندوهای امریکائی، لازم است تا سیاست اعطای باج از سوی کشورهای ثروتمند به پاکستان و چشم پوشی آشکار از نقش ISI در حمایت و صیانت و تربیت و تجهیز تروریست ها کنار گذاشته شود. زیرا برخورد مصلحت گرایانه با پاکستان و استخبارات نظامی آنکشور در طول ده سال گذشته نه تنها باعث تأمین صلح و امنیت در منطقه نگردید، بلکه موجب وقوع ده ها حادثه فاجعه بار در افغانستان و هندوستان و مادرید و لندن نیز گردید و جان صدها و هزاران انسان بیگناه و صلح دوست را گرفت. اتفاقاً سرخ تمام این حوادث تروریستی به پاکستان ختم شده و برای مردم جهان باید ثابت شده باشد که پاکستان عملاً حامی تروریست ها و کانون پرورش گروه های افراطی اسلامی است که تولیداتش در قدم اول برای افغانستان و هندوستان بسیار بسیار زیانبار است و برای تمام جهان نیز درد سرفرین است.

یکی از نکات بارزی که ویکی لیکس به آن اشاره کرده است، نقش پاکستان در حمایت از طالبان است. اندکی پیش از افشاکاری های ویکی لیکس، مکتب اقتصادی لندن گزارشی را به نشر سپرد که نشان میدهد سازمان استخبارات نظامی پاکستان از طالبان بگونه گسترده حمایت میکند. هرچند این گزارش تأکید مجددی بر ادعاهایی قبلی در این زمینه می باشد، اما نکته بارز و متفاوت آن اینست که گزارش مکتب اقتصادی لندن، سطح همکاری ها و حمایت های را که سازمان استخباراتی پاکستان از طالبان انجام میدهد، به مراتب برجسته تر و بیشتر می خواند و می گوید که "حتی در جلسات شورای کویته کارمندان آی اس ای حضور پیدا می کنند."

این بدان معنی است که سازمان استخباراتی پاکستان درکنار تأمین پناهگاه، امکانات آموزشی و فراهم سازی تجهیزات در برنامه ریزی های حملات تروریستی، انتحاری و خرابکارانه طالبان نقش مستقیم داشته و به شورای رهبری طالبان مشوره های مستقیم میدهند. جامعه جهانی و در رأس آن ایالات متحده آمریکا مسؤلیت دارند تا پاکستان را از ادامه این سیاست ها باز داشته و حمایت های اقتصادی، سیاسی و نظامی شان را از آن کشور مشروط به قطع حمایت آی اس ای و اردوی پاکستان از طالبان نمایند....

دریافت های گزارش جدید مکتب اقتصادی لندن در عین حالی که تأکیدی بر سرچشمه های اصلی طالبان است، این نکته را نیز واضح می سازد که بدون جلوگیری از دست اندازی های پاکستان، تأمین ثبات در افغانستان کاری دشوار

است. و هشدار میدهد که اگر زیاده خواهی های پاکستان مهار نشود، خطر افراط گرایی روزی از مرزهای افغانستان فراتر خواهد رفت و حوادثی چون یازدهم سپتامبر، حملات مادرید و لندن مجدداً تکرار خواهند شد. چنانچه دستگیری متهم بمب گذاری در میدان تایم نیویارک این نکته را به خوبی روشن می سازد که مسؤلیت جهان برای مهار زیاده خواهی پاکستان چقدر مهم و اساسی است." (۸ صبح، ۲۰۱۰/۶/۱۴)

مقامات افغانی با ایقان به این امر که پاکستان طالبان را بحیث وسیله فشار و نفوذ در افغانستان حمایت و استعمال میکند، بارها گفته اند که مراکز آموزش تروریسم در خاک پاکستان قرار دارد و آنکشور در نابودی این مراکز صادقانه عمل نمیکند و جامعه جهانی باید لانه های تروریستان را در پاکستان جستجو و نابود نماید، مگر کس به صدای افغانها گوش نمیکرد تا اینکه سطح همکاری سازمانهای اطلاعاتی امریکا و پاکستان به دلایل مختلفی کاهش یافت و سرانجام امریکا مستقلانه دست بکار شد و بدون اطلاع دادن به ISI بر مقر بن لادن در ابیت آباد پاکستان برق آسا حمله برد و با کشتن بن لادن در شب اول ماه می ۲۰۱۱ به بزرگترین موفقیت دست یافت. این اقدام امریکا به جامعه جهانی ثابت ساخت که ادعای افغانها مبنی بر موجودیت بن لادن و سایر گروه های تروریستی در آنکشور بجا و درست بوده است.

عملیات مستقلانه امریکا و مطلع نکردن اسلام آباد از برنامه قتل بن لادن، نمایانگر بی اعتمادی سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (CIA) بر سازمان استخبارات نظامی پاکستان (ISI) است.

تحلیلگران بر این باورند که بی اعتمادی امریکا به اسلام آباد و مطلع نکردن آنها در جریان برنامه قتل بن لادن، ضربه سختی بر اعتبار ISI وارد کرده و حیثیت این سازمان را نزد مردم آنکشور بسیار تنزل داده است. بگزارش وبسایت گران افغانستان: «امل صداح» همسر چهارم بن لادن که هنگام کشته شدن شوهرش همراه وی بود، روز شنبه ۷-۵-۲۰۱۱ به روزنامه های پاکستانی خبر داده که بن لادن در سال ۲۰۰۳ از مناطق مرزی پاکستان وارد شهر "هاریبور" شد و دونیم سال در آنجا زندگی کرد. و در پایان سال ۲۰۰۵ وی به شهر ابیت آباد وارد شد و در خانه ای که خاص برای او ساخته شده بود اقامت کرد و از آن تاریخ تاکنون در این خانه زندگی می کرد."

پرسش اساسی مقامات امریکائی این است که بن لادن در ۷، ۸ سال اخیر در پاکستان و در زیر ریش ISI بوده و هیچ عقل سلیمی نمی پذیرد که سازمان استخبارات پاکستان از این ماجرا بی خبر بوده باشد. البته امریکا هنوز اتهامات دیگری از قبیل اینکه بن لادن کسانی در سازمان ISI داشته و آدم هایی را خریده و یا از وجود آنها سوء استفاده میکرد است، بر پاکستان وارد میکند و میخواد این اشخاص را حکومت پاکستان شناسائی کند و به امریکائی معرفی نماید.

بر اساس این پرسشها، رئیس سازمان استخبارات نظامی پاکستان (ISI) عازم واشنگتن شده تا در مورد پرسش های امریکا پاسخ بدهد و نیز در مورد عملیات مستقلانه امریکا در خاک پاکستان که به کشته شدن اسامه بن لادن منجر شد، با مقام های این کشور گفتگو کند. باید دید پاسخ های شجاع پاشا در باره بی اطلاعی و انفعال پاکستانی ها در مورد اختفای چندین ساله بن لادن در پاکستان امریکا را قانع می کند یا خیر؟

یکی از مقالات علمی و پر محتوایی که نویسنده جوان و ژرفنگر جناب "ف. هیرمند" اخیراً در پورتال افغان جرمن به نشر سپرده، «اثرات وخیم حقوقی امحای اسامه بن لادن برای پاکستان» عنوان دارد که در آن دلایل فراوانی بر محکومیت پاکستان از لحاظ حقوق بین المللی و حقوق جزائی بخاطر تخطی پاکستان از تعهدات در امر مبارزه بر ضد تروریسم در ائتلاف بین المللی بر رهبری امریکا ارائه شده است. نویسنده پاکستان را بجرم پناه دادن به یک تروریست بین المللی چون: اسامه بن لادن که متهم به فاجعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکاست و همچنان متهم در چندین حادثه دیگر تروریستی بر سفارتهای امریکا در افریقا در سال ۱۹۸۸ شده بود، قابل بازخواست و محاکمه بین المللی میداند. یک پراگراف آن مقاله را در اینجا بازتاب میدهم:

" مسؤلیت های دارای ماهیت جزایی: متکی بر اصول علوم جزایی اختفا و پنهان کردن مجرم و معاونت و فراهم آوری شرایط و امکانات لازم برای ارتکاب یک عمل جرمی باوی، مساعدت برای فاعل جرم در ارتکاب یک فعل جرمی، مصئون و مخفی کردن عمدی یک مرتکب جرم از تعقیب و به محاکمه کشانی او، به ویژه که جنایت ارتکابی از نوع جرایم علیه بشریت و کشتار دسته جمعی افراد بشر باشد، همه افعال متذکره جرم تشخیص شده و افراد مرتکب آن، ولو در هر مقام اداری و نظامی نصب باشند، مستوجب تعقیب و مجازات شناخته میشوند، پاکستانی ها با حفاظت، معاونت و نگهداری اسامه بن لادن و فراهم نمودن شرایط ضروری و لازم ادامه اقدامات مجرمانه بعدی اش، ازیک سو در مخفی نمودن ایده ساز واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ اقدام کرده و از سوی دیگر در این مدت او را از تعقیب و به محاکمه کشانی مصئون و در امان نگه داشته اند. بر علاوه در فاصله سال های ۲۰۰۵ تا اپریل ۲۰۱۱ که اقامت و اختفای بن لادن در ابیت آباد پاکستان قبول گردیده است، چندین حادثه خونبار دیگر نیز توسط القاعده ارتکاب یافته که بن لادن به حیث مسؤل آن تنظیم در طراحی و صدور امر اجرای آن ذیسم دانسته می شود، در این حوادث، پاکستانی ها شرایط اساسی و لازم ارتکاب افعال مجرمانه را برای اسامه بن لادن تأمین نموده اند،

زیرا اسامه نمیتوانست بدون آزادی و بدون در دسترس قرار داشتن ابزار های مانند کامپیوتر، اینترنت، تلفون و مصنویت کامل از هر نوع تهدید گرفتاری و از دست دادن آزادی و حیات با اطمینان خاطر به عملیات مجرمانه خود ادامه بدهد و این همه وضعیت و شرایط مناسب و مساعد به برکت ذیسم بودن دستگاه های امنیتی و غیر امنیتی دولت پاکستان برای موصوف فراهم گردیده بود و اگر نه بن لادن در وضعیتی قرار نمیداشت تا توطئه های سال های (۲۰۰۵ تا اپریل ۲۰۱۱) را اداره و هدایت کند، سهم داشتن مراجع پاکستانی در تأمین امنیت و اختفای بن لادن به نحوی مسؤولیت این مقامات را در دوسیه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیویارک هم تسری میکند."

آقای هیرمند، در سطور بعدی مقاله خود مسؤولیت پاکستان را از لحاظ حقوق بین الملل نیز مطرح ساخته و با اشاره به نوع مسؤولیت و نحوه رسیدگی به آن، بر نکات جالبی انگشت میگذارد که بهتر است خواننده به اصل مقاله در همین پورتال رجوع کند و خود را با تخطی های پاکستان از این لحاظ نیز آشنا سازد.

با نظر داشت محتویات این مقاله، پاکستان می باید بجرم تخطی از تعهدات خود در مقابل جامعه جهانی، مورد دادخواست امریکا بحیث رهبر ائتلاف بین المللی مبارزه علیه تروریسم و نیز مورد بازخواست شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار گیرد و در صورتیکه نتواند از خود دفاع کند، می باید با تعزیرات سخت اقتصادی از سوی جامعه بین المللی مجازات شود تا مجبور گردد که در سرکوبی و نابودی لانه های تروریسم در خاک خود صادقانه عمل کند و دست از سیاست دو رویه و دو پهلوی خود بردارد.

شایسته یاد آوری میدانم که آقای نعیم بارز نیز در مقاله تحلیلی جالب خویش که امروز در پورتال افغان جرمن آنلاین بازتاب یافته است، طرح یک کنفرانس بین المللی را به پیشنهاد افغانستان و یا از جانب امریکا برای محکومیت پاکستان جهت ترک بازی دوگانه خود با جامعه جهانی پیشنهاد کرده اند که در هر حال بمنظور تحت فشار قرار دادن پاکستان گام موثری بشمار خواهد رفت.

پایان